

هر جا که نمک بخوریم نمکدان نمی شکنیم!

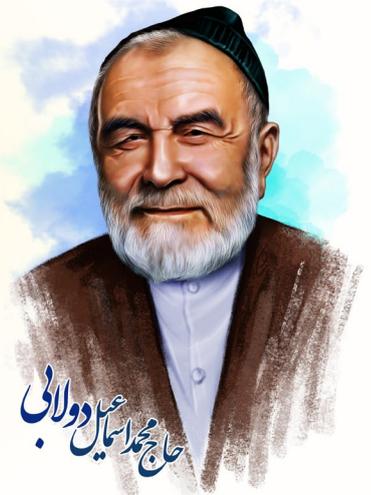
در اصفهان شخص تاجری در همسایگی یکی از اشرار زندگی می کرد . این شخص شبها افراد لا ابالی را در خانه اش جمع می کرد و سر و صدا به راه می انداخت . شخص تاجر که فردی نماز شب خوان و متدین بود از دست این جوان ناراحت شد ، پیش مرحوم ملا محمد تقی مجلسی آمد و از دست همسایه اش که رئیس اشرار بود و شبها عربده و داد و بیداد راه می انداخت و مزاحمت ایجاد می کرد شکایت کرد. ملا محمد تقی مجلسی فرمود یک شب این افراد را برای صرف شام به خانه ات دعوت کن ، من هم به خانه ات می آیم . شخص تاجر رئیس اشرار را به همراه نوچه ها و اطرافیان او را برای شام به خانه اش دعوت می کند . آنها هم قبول کرده و به خانه او می آیند ، در حالی که خبر نداشتند قرار است علامه مجلسی هم به مجلس بیاید . ناگاه مرحوم علامه وارد اتاق شد و مستقیم رفت پیش رئیس اشرار نشست . بعد از سلام و احوالپرسی با او گرم گرفت و پرسید : وضع و مرام شما در زندگی چگونه است؟ برنامه تان در زندگی چیست؟ آن شخص هم با زبان مخصوص افراد داشی و لات می گوید ؟ مرام ما این است که هر جا که نمک بخوریم نمکدان نمی شکنیم . علامه مجلسی می فرماید : دروغ میگویید! رئیس اشرار گفت : چطور؟! علامه می گوید : تو مگر یک عمر نمک خدا را نخورده ای؟ چرا نمکدان می شکنی؟! تو که میگویید من نمکدان نمی شکنم ، پس این کارها چیست که انجام میدهی؟ رئیس اشرار با شنیدن همین یک کلمه متقلب شد و از همه بدی هایی که کرده بود توبه کرد . به دنبال او هم تمامی افرادش توبه کردند.

[در محضر آیت الله مجتهدی رحمه الله علیه ، جلد اول ، ص ۳۳۹]

الان پات رو بکوب رو ترمز!

همه فکر می کنند چون گرفتارند به خدا نمی رسند! اما چون به خدا نمی رسند گرفتارند... از هر راهی که داری میری همین الان پات رو بکوب رو ترمز! فرمونو بچرخون و بنداز تو "مرطاب مستقیم" تا ته ته ش برو میرسی به خدا... حتی اگه آخرش بن بست باشه.

(طوبای محبت ، مرحوم دولابی)



حاج میرزا اسیم دولابی

می ترسم جنگ تموم بشه و دست خالی برگردیم!

گفت: «بچه ها! دیگه دعا کنید من شهید بشم.» گفتم: حسین آقا! این چه حرفیه که می زنی؟ ما بعد از آزادی کربلا باید بریم قدس و لبنان رو آزاد کنیم. حسین گفت: «الحمد لله ما سفر حج مون رو رفتیم، ازدواج هم کردیم، خدا هم یه بچه بهمون داده که تو راهه، شکر خدا همه چیز دیگه برای ما تکمیل شده، دیگه الان وقتشه.» گفتم: وقت چیه؟! هنوز لشکر خیلی به شما نیاز داره. گفت: «نه، دیگه من همه کارام رو کردم، فقط مونده بچه، که من همه مستحبات و سنت رو درباره اش رعایت کردم. به آینده این بچه خیلی امیدوارم. خانمم هم یه زن کدبانوی تمام عیاره. از دستش خیلی راضی ام، دیگه وقتشه، باید برم.» دوباره گفتم: آخه شما که هنوز بچه ات رو ندیدی، زن به این خوبی خدا بهت داده، تازه زندگی رو شروع کردی. دلت می آد بچه ت رو نبینی و شهید بشی؟ گفت: «نقل این حرفها نیست، می ترسم جنگ تموم بشه و دست خالی برگردیم خونه هامون.» مکتی کرد و ادامه داد: «حقیقتش رو بخوای، اینها رو خیلی دوست دارم، اما وقتی با شهادت مقایسه شون می کنم، می بینم که نه، الان دیگه وقتشه که برم.»

[روایت خاطره علی علی محمدی از شهید حاج حسین خرازی . مجموعه خاطرات ۲۴ ، نشر یا زهرا سلام الله علیه ، ۱۳۹۳ ، ص ۲۶]

طبق فتوای جناب عالی تفکیک مال مخمس و غیرمخمس موجود در یک حساب بانکی واحد با نیت میسر است آیا نیت کلی برای این امر کفایت می کند؟ مثلاً فردی مایل است که اموال مخمس به حال خود باقی مانده و در طول سال تنها از درآمد جاری استفاده کند. ولی به طور موردی در برداشتها این امر را نیت نکرده است. در این شرایط تکلیف چگونه است؟

سوال

چنانچه ابتداءً نیت کند که هر چه از بانک برداشت می کند از اموال غیر مخمس باشد، مادامی که خلاف آن را قصد نکرده لازم نیست به طور موردی در هر مرتبه چنین نیتی داشته باشد.

جواب

آدرس تلگرام موعظه خوبان: <http://Telegram.me/moezehkhuban>

استفتائات مقام معظم رهبری - www.leader.ir